

## عنوان مقاله:

آموزه های شاهنامه به نظامیان (۴): از دنیای ناپایدار تا شهادت در میدان کارزار

## محل انتشار:

مجله پژوهش های مدیریت و فرماندهی نظامی، دوره 12، شماره 41 (سال: 1390)

تعداد صفحات اصل مقاله: 20

## نویسنده:

احمد فاضل

## خلاصه مقاله:

فردوسی می گوید دنیا بی وفا و ناپایدار است؛ به سان فسانه و باد که از خواب به یاد می ماند. این دنیا "سرانجام نیک و بدش بگذرد"؛ بنابراین وقتی انسان باور کند که "جهان یادگار است و ما رفتنی"، چرا به زیاده خواهی و آز دست بیازد و دل در گرو این سرای سپنجی ببازد. باید "جز از تخم نیکی" نکارد و تا زنده است، جز برای "دین و راستی" سر فرو نیارد. شاهنامه به انسان یادآوری می کند که مرگ محتوم است و ما یکسره شکار مرگیم و برای مرگ، زاده شده ایم؛ پس باید همواره آماده آن باشیم. رزم آوران میدان نبرد هم وقتی بدانند که مرگ حق است و باید تسلیم تقدیر باشند، دیگر از آن هراسی ندارند و در مقابل پولاد تیغ، از جان دریغ نمی کنند؛ زیرا معتقدند وقتی اجل فرا برسد، "چه در سور میرد چه در کارزار". به همین خاطر، یک سپاهی دلاور، مرگ با عزت و شهادت در کارزار را بر زندگی ذلت بار ترجیح می دهد؛ چون "زمانه به مرگ و به کشتن یکی است". بنابراین "چه نیکوتر از مرگ در کارزار". او کشتن و کشته شدن در میدان جنگ را به تعبیر قرآن احدی الحسینین می داند و در این راه از هیچ کوششی دریغ نمی ورزد و هراسی از مواجهه با دشمن به خود راه نمی دهد.

## کلمات کلیدی:

واژه های کلیدی: فردوسی، شاهنامه، دنیا، نیکی، مرگ، جنگ، کشتن و کشته شدن

## لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1371756>

